

شروط سیاسی بی‌ثباتی (تحلیل تجربی بین‌کشوری)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۱

محمدباقر خرمشاد*

عبدالمحمود محمدی‌لرد**

چکیده: در علوم اجتماعی اغلب تئوری‌ها جنبه تعلیلی دارند ولی شناخت علت پدیده‌های اجتماعی از طریق آزمون‌های همبستگی آماری میسر نیست. برای غلبه بر این مشکل روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی برای شناخت علت پدیده‌های اجتماعی ابداع شد. در این روش که ریشه‌های کیفی دارد، علت لازم و علت کافی برای بروز یک پدیده اجتماعی آزمون می‌شود. در این مقاله تلاش شده است که علت‌های سیاسی بی‌ثباتی شناسایی شوند. به این منظور ابتدا طیف گسترده‌ای از متغیرهای سیاسی مؤثر بر بی‌ثباتی از تئوری‌های علوم اجتماعی احصاء شد، سپس این متغیرها در یک مطالعه بین‌کشوری با مقایسه ۱۸۳ کشور جهان تحت آزمون تجربی قرار گرفت و علت‌های سیاسی بی‌ثباتی شناخته شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که در بین ۱۸ متغیر سیاسی، چهار متغیر فقدان حاکمیت قانون، فساد حکومت، عدم وفاق نخبگان و فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک علت‌های ایجاد بی‌ثباتی سیاسی هستند.

کلیدواژه‌ها: بی‌ثباتی سیاسی، روش مقایسه‌ای کیفی فازی، علل لازم و کافی.

khoramshad@ipis.ir
amahmudml@gmail.com

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول).
** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

مقدمه

ثبات و پایداری همواره یکی از مهم‌ترین اهداف حاکمان است و رهبران سیاسی همه کشورها گرایش دارند که نظام سیاسی خود را جاودانه کنند. اندیشمندان سیاسی نیز همواره نخستین هدف سیاست را برقراری ثبات و پیشگیری از کنش اعتراضی خشونت‌آمیز به منظور رویارویی با اقتدار حکومتی می‌دانند. در اندیشه سیاسی اسلام هم ثبات سیاسی نظام اسلامی اهمیت کانونی دارد (داوری اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸: ۷۰). با این وجود آمارهای موجود نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سیاسی در طول چند دهه گذشته افزایش یافته است. به عنوان مثال، از سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی نسبت کشورهای که جنگ داخلی را تجربه کرده‌اند از ۷٪ به ۲۸٪ افزایش یافته است و از سال ۱۹۴۵ میلادی تا سال ۲۰۰۵ بیش از ۱۴۰ جنگ داخلی در سرتاسر جهان باعث کشته شدن بیست میلیون نفر و آوارگی هفتاد میلیون نفر شده است (رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶: ۵۵). همچنان که تد رابرت گار^۱ معتقد است «پس از جنگ جهانی دوم تاکنون، اقدامات خشونت‌آمیز برای برانداختن حکومت‌ها در سطح جهان شایع‌تر از انتخابات سراسری بوده است» (گار، ۱۳۷۶: ۲۴). با وجود افزایش بی‌ثباتی سیاسی در سراسر جهان، وضعیت کشورهای مختلف از این حیث به صورت چشمگیری متفاوت است. در برخی از کشورهای جهان سوم، اعتراض‌های مردمی به سرعت شکل آشوب به خود می‌گیرد، در صورتی که در پاره‌ای از کشورهای غربی این نوع وقایع نادر بوده و کشمکش‌های داخلی به راه‌های مسالمت‌آمیز هدایت می‌شود. با توجه به اینکه در تئوری‌های علوم اجتماعی برای بی‌ثباتی سیاسی علت‌های مختلفی ذکر شده است که بسیاری از آن‌ها متغیرهای سیاسی هستند، اصلی‌ترین سؤال این پژوهش معطوف به شناسایی علت‌های سیاسی بی‌ثباتی است. با توجه به اکتشافی بودن پژوهش، فرضیه‌ای برای پاسخ به سؤال تحقیق در نظر گرفته نشده و فرضیه‌های علت لازم برای بی‌ثباتی سیاسی در خلال پژوهش تولید و آزمون می‌شود.

برای پاسخگویی به سؤال تحقیق، از روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی»^۲ استفاده شده است که یکی از معتبرترین و جدیدترین روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی است. در حقیقت نوآوری این پژوهش وابسته به روش تحقیق است و برای اولین بار در ایران و جهان علت‌های بی‌ثباتی سیاسی از طریق این روش مطالعه می‌شود. بدین منظور ابتدا تلاش می‌شود طیف گسترده‌ای از متغیرهای سیاسی مؤثر بر بی‌ثباتی از خلال نظریه‌های علوم اجتماعی

احصاء شود. سپس این متغیرها در یک مدل جهانی با مقایسه ۱۸۳ کشور تحت آزمون تجربی قرار گرفته و علت‌های اصلی بی‌ثباتی سیاسی شناخته می‌شود.

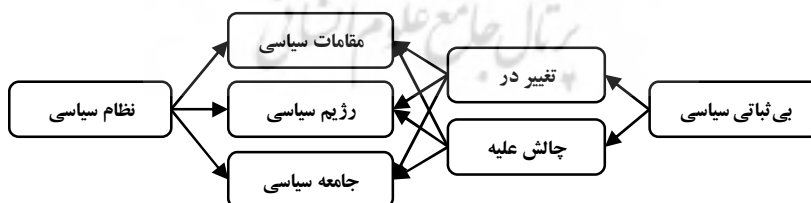
۱. چارچوب مفهومی: بی‌ثباتی سیاسی

تعاریف گوناگونی از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی ارائه شده است. تنوع این تعاریف معلول رویکردها، شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف است. دیوید ساندرز^۳ معتقد است که یک تعریف مطلوب باید از تفکیک سطحی ثبات و بی‌ثباتی احتراز کرده و آن را یک پدیده مستمر و نسبی بداند. همچنین آن تعریف باید نشان دهد که چگونه سطح بی‌ثباتی در یک کشور با گذشت زمان تغییر می‌کند، لذا واحدهای زمانی به کار رفته در تحلیل باید بر پایه «وضعیت‌های سیاسی» کوتاه‌مدت باشد. ضمن اینکه باید انواع متفاوتی از بی‌ثباتی سیاسی را بپذیرد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

۱-۱. رویکرد سلبی «ساندرز»

ساندرز ثبات سیاسی را به معنی فقدان نسبی برخی از حوادث سیاسی بی‌ثبات کننده می‌داند که به صورت ایجاد تغییر یا چالش در هر یک از ابعاد نظام سیاسی بروز می‌کند (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱). ابعاد نظام سیاسی مورد نظر ساندرز از تعریف دیوید ایستون اخذ شده است. به عقیده ایستون، نظام سیاسی دارای سه بُعد اساسی است: مقامات سیاسی که مراد از آن حکومت است؛ رژیم سیاسی که منظور از آن قواعد حقوقی حاکم بر حل مناقشات در درون نظام است؛ و جامعه سیاسی که شامل گروهی از افراد است که بر پایه تقسیم کار سیاسی با هم مرتبط هستند (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۲۱). ایجاد تغییر یا چالش علیه هر یک از ابعاد سه‌گانه نظام سیاسی، می‌تواند منجر به بروز شش نوع بی‌ثباتی سیاسی مطابق نمودار ذیل شود.

نمودار شماره (۱): انواع بی‌ثباتی سیاسی



در تعریف ساندرز، ثبات سیاسی پدیده‌ای پیچیده است که وقوع آن مستلزم فراهم آمدن تمام علت‌ها و ملزومات در فرآیند تغییرات سیاسی و اجتماعی است ولی بالعکس بی‌ثباتی سیاسی پدیده‌ای ساده و طبیعی است که با رخداد هر یک از عوامل بی‌ثبات‌کننده، دامن‌گیر جوامع انسانی می‌شود. ضمن اینکه مکانیزم برقراری ثبات سیاسی در هر جامعه‌ای متفاوت است.

۱-۲. رویکرد ایجابی «لیندبلاد»

چارلز لیندبلاد، حل رابطه میان حکمرانان و مردم را از سه روش اجبار، مبادله و اقتناع ممکن می‌داند (پراتکانیس و آرنسون، ۱۳۸۰: ۷). در برخی از نظام‌ها، علت‌های فاعلی بی‌ثباتی سیاسی سرکوب شده و ثبات از طریق اجبار به وجود می‌آید. برخی دیگر تلاش خود را بر بهبود کارکرد دولت متمرکز کرده و ثبات سیاسی از طریق مبادله حق حکومت بر مردم و رفع نیازهای مردم ایجاد می‌شود. بعضی از نظام‌ها نیز برای اقتناع اهمیت به‌سزایی قائل شده و نگرش شهروندان را در راستای حفظ ثبات سیاسی تغییر می‌دهند. بدیهی است که نوع خالص هر یک از اقدامات فوق در یک نظام یافت نمی‌شود بلکه هر رژیم سیاسی، ارزش‌های مختلفی برای هر اقدام در راهبردهای خود در نظر می‌گیرد. با ترکیب راه‌حل‌های سه‌گانه چارلز لیندبلاد، می‌توان مکانیزم ایجاد ثبات سیاسی را توصیف کرد. همه مردم از تمام حکومت‌ها انتظار دارند که نیازهای آنان را برطرف نماید. نیازهای جامعه را می‌توان به صورت طیفی در نظر گرفت که از نیازهای زیستی مانند خوردن و آشامیدن شروع شده و با نیازهای ایمنی مانند پوشاک و مسکن ادامه یافته و به نیازهای روانی مانند شکوفایی و عزت نفس ختم می‌شود. در صورتی که حکومت موفق به برآوردن نیازهای مطرح شده توسط جامعه باشد، راه‌حل «مبادله» لیندبلاد صورت گرفته و نارضایتی در جامعه ایجاد نمی‌شود. در این پژوهش این شرایط به عنوان «کارآمدی» حکومت تعبیر شده است. بدیهی است که هیچ حکومتی نمی‌تواند به صورت مطلق تمام نیازهای اتباع خود را پاسخ دهد. حال اگر سطح کارکرد حکومت از سطح نیازهای اتباع عقب ماند، نارضایتی ایجاد می‌شود که می‌تواند به صورت بی‌ثباتی ظهور کرده یا توسط عوامل دیگر خنثی شود. یکی از عواملی که می‌تواند نارضایتی را خنثی کند، راه‌حل «اجبار» لیندبلاد است. در این شرایط اجبار حکومت به میزانی است که اتباع با وجود نارضایتی، شهامت و جسارت ابراز آن را ندارند و ثبات سیاسی مبتنی بر ترس مردم ایجاد می‌شود. در این پژوهش این شرایط به عنوان «استیلا» حکومت تعبیر شده است. یکی دیگر از عواملی که می‌تواند نارضایتی را خنثی کند، مبتنی بر راه‌حل «اقتناع» لیندبلاد است. یعنی مکانیسمی که اتباع را قانع می‌کند که شرایط حکومت مستقر را نه از روی اجبار

بلکه از روی رغبت و علاقه پذیرند. در ادبیات علوم سیاسی این شرایط به «مشروعیت» حکومت تعبیر می‌شود. بنابراین ثبات سیاسی حالتی است که یک یا دو و یا هر سه شرط فوق به نسبت‌های مختلف برقرار باشد.

۲. روش‌شناسی: تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی

در این پژوهش برای شناخت علت‌های سیاسی بی‌ثباتی از روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» استفاده می‌شود که نوع جدیدی از روش مقایسه‌ای است. بسیاری از دانشمندان معتقدند که مقایسه در قلب فرآیند استدلال انسان قرار دارد و اندیشیدن بدون انجام عملیات مقایسه توسط ذهن انسان ممکن نیست. مدت مدیدی است که پژوهشگران روش مقایسه را به صورت تجربی مورد استفاده قرار می‌دهند. از ارسطو که احتمالاً بنیان‌گذار روش مقایسه‌ای است تا دوتوکویل، ماکس وبر و دورکیم همگی مقایسه را به عنوان روش تحلیل خود برگزیدند. از آنجا که در علوم اجتماعی، انجام آزمایش در جریان زندگی واقعی به صورت تجربی ممکن نیست؛ از این روی محققان روش مقایسه را به عنوان جانشینی برای آزمایش تجربی انتخاب کردند. به ویژه مقایسه چند موردی که علاوه بر ایجاد فهم عمیق از موردها و شناخت پیچیدگی آن‌ها، برخی از اشکال تعمیم را نیز ایجاد می‌کند (Rihoux & Ragin, 2009: xviii). در این پژوهش نیز مطالعه چند موردی برای تعیین علت‌های بی‌ثباتی سیاسی انتخاب شده است و هر یک از کشورهای جهان به مثابه یک مورد مطالعه می‌شوند.

یکی از اهداف مطالعات چند موردی، شناخت روابط علت و معلولی است. بسیاری از دانشمندان معتقدند که وظیفه اصلی علوم اجتماعی، تبیین پدیده‌های اجتماعی است و تبیین عبارت از تعیین علت‌ها و فرآیندهای علی برای وقوع یک پدیده است (افتخاری، ۱۳۸۸: ۲۰). چارلز راگین^۴ روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» را در قالب «تبیین علی» در سال ۲۰۰۸ مطرح کرد و تحولی قابل توجه در روش مقایسه‌ای علوم اجتماعی به وجود آورد. وی راه‌حل‌های سودمندی برای گریز از محدودیت‌های روش سنتی مقایسه پیش نهاد که مهم‌ترین آن دشوار بودن سنجش اثرات حاصل از تعامل متغیرها بود.

۲-۱. علت بی‌ثباتی

راگین مهم‌ترین گزاره خود را برای تبیین پدیده‌های اجتماعی بدین صورت اعلام کرد که در ترکیبات پیچیده علی، هر علت بخش ناکافی، ولی لازم از ترکیبی نالازم ولی کافی برای ایجاد یک پدیده اجتماعی است (Rihoux & Ragin, 2009: xix). یعنی از یک سو ترکیبات علی

مختلفی می‌توانند یک پدیده اجتماعی مانند بی‌ثباتی سیاسی را ایجاد کنند و از سوی دیگر وجود یک علت شاید برای بروز بی‌ثباتی سیاسی لازم باشد، اما کافی نیست و باید با علت‌های دیگر ترکیب شود تا یک شرط کافی به وجود آید.

۲-۲. ماهیت فازی بی‌ثباتی

در روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی، ادعاهای علی بر مبنای روابط مجموعه‌های فازی توسعه می‌یابند. در تئوری کلاسیک مجموعه‌ها، یک مورد فقط می‌تواند «درون مجموعه یا ۱» و «بیرون از مجموعه یا ۰» باشد. در مقابل، یک مجموعه فازی امکان عضویت در فواصل میان ۰ تا ۱ را می‌دهد و ارزش‌های اعشاری میان ۰ تا ۱ نشان‌دهنده عضویت ناقص یک مورد در مجموعه تحت مطالعه است. هر چه عدد به ۱ نزدیک‌تر باشد، بیانگر عضویت بیشتر در مجموعه و عدد نزدیک به ۰ بیانگر کمترین عضویت در مجموعه است. نمره میانی ۰.۵ نشان‌دهنده حداکثر ابهام است زیرا نمی‌توان با قطعیت آن مورد خاص را بیشتر عضو مجموعه هدف و یا غیرعضو در مجموعه هدف محسوب کرد (Rihoux & Ragin, 2009: 89-90). در این پژوهش برخلاف برخی از تئوری‌ها که برای نظم سیاسی فقط دو حالت باثبات یا بی‌ثبات در نظر می‌گیرند، فرض شده است که بی‌ثباتی سیاسی حالتی فازی داشته و در هر کشور چیزی بین ۰ و ۱ است. به عقیده راگین متغیرهای کمی و کیفی و مقیاس‌های اسمی، فاصله‌ای و نسبی را می‌توان به کمک یک سیستم ریاضی به درجه عضویت فازی تبدیل کرد (Ragin, 2008: 30). البته نتایج سنجش فازی متغیرها و نمرات تخصیص داده شده به موردها همانند نمرات موجود در مقیاس‌های فاصله‌ای یا نسبی در تحلیل‌های کمی متعارف نیست، زیرا با استفاده از مجموعه‌های فازی ممکن است برخی موردها بر اساس درجه عضویتشان در یک مقوله تحلیلی، به طور مشابه و یکسان عضو کامل آن مقوله محسوب شوند در حالی که همان موردها بر حسب یک مقیاس فاصله‌ای یا نسبی نمرات متفاوتی دریافت می‌کنند (Rihoux & Ragin, 2009: 92). برای مثال سه کشور نروژ، آمریکا و ژاپن عضوهای کامل مجموعه کشورهای ثروتمند محسوب می‌شوند و همگی نمره یکسان ۱ دریافت می‌کنند، در صورتی که این سه کشور سطوح متفاوتی از متغیر ثروت در یک مقیاس فاصله‌ای را دارند.

راگین برای تبدیل مقیاس‌های فاصله‌ای و نسبی به درجه عضویت فازی، ابتدا برای داده‌های فاصله‌ای سه نقطه برش کیفی تعیین می‌کند؛ سپس با استفاده از یک تابع ریاضی، متغیر پیوسته به متغیر فازی تبدیل می‌شود. سه نقطه برش کیفی مورد نظر راگین شامل آستانه عضویت کامل، آستانه عدم عضویت کامل و نقطه گذر است. نقطه گذر یا نقطه عطف فازی

دارای حداکثر ابهام است و به قطعیت نمی‌توان گفت که یک مورد خاص بیشتر عضو مجموعه است یا غیر عضو در مجموعه هدف. بنابراین نقطه گذر، موردهایی را که عضویت بیشتری در مجموعه هدف دارند از موردهایی که بیشتر غیرعضو در مجموعه هدف محسوب می‌شوند جدا می‌کند (Ragin, 2008: 90). بدیهی است که رویه‌های مورد استفاده محقق برای تعیین نقاط برش کیفی می‌تواند مورد ارزیابی و نقد سایرین قرار گیرد. راگین برای تبدیل متغیر فاصله‌ای به درجه عضویت فازی فرمول ذیل را پیشنهاد کرده است که در این فرمول m برابر است با میزان عضویت فازی در مجموعه هدف و $\exp(\log \text{odds})$ دلالت دارد بر عدد نپر به توان لگاریتم میزان احتمال وقوع (Ragin, 2008: 91).

$$m = \frac{\exp(\log \text{odds})}{1 + \exp(\log \text{odds})} = \frac{\exp(1)}{1 + \exp(1)} = \frac{e^1}{1 + e^1}$$

۲-۳. سازگاری و شمول

راگین برای کشف علت‌های لازم برای معلول، سنجه‌های سازگاری و شمول روابط مجموعه‌ها را ارزیابی می‌کند. سازگاری و شمول مقیاس‌های توصیفی ساده‌ای هستند که برای ارزیابی قابلیت حمایت تجربی موردها از فرضیه‌ها به کار می‌روند. نمره سازگاری تعداد موردهایی را می‌سنجد که از ترکیب معینی از علت‌ها که منجر به معلول مورد نظر می‌شوند حمایت تجربی می‌کنند. به عبارت دیگر، نرخ سازگاری بر نحوه تسهیم موردها در ترکیبات علی دلالت دارد. در مقابل نمره شمول، درجه‌ای را می‌سنجد که یک علت یا ترکیب علی ممکن است منجر به معلول خاص شود. البته وقتی چندین مسیر برای بروز یک معلول وجود داشته باشد، نمره شمول هر ترکیب علی معین ممکن است کوچک باشد. بنابراین، نمره شمول فقط رابطه تجربی یا اهمیت را می‌سنجد (Ragin, 2008: 44). مقادیر سازگاری با معناداری برآوردهای همبستگی در آزمون فرضیه‌های آماری قابل مقایسه است (Woodside, 2010: 383). راگین برای اندازه‌گیری نمره سازگاری از فرمول ذیل استفاده می‌کند که در آن عبارت \min دلالت بر انتخاب کوچک‌ترین مقدار شرط علی (x_i) و معلول (y_i) دارد (Ragin, 2008: 52).

$$\text{Consistency } (x_i \leq y_i) = \frac{\sum[\min(x_i, y_i)]}{\sum(x_i)}$$

اما شمول که شبیه توان در آمار کلاسیک است، به رابطه یا اهمیت تجربی یک ارتباط در تئوری زیرمجموعه‌ها دلالت دارد (Ragin, 2008: 45). نمره شمول تنها اهمیت تجربی دارد و فاقد ارزش تئوریک است. راگین برای اندازه‌گیری نمره شمول از فرمول ذیل استفاده می‌کند که در آن عبارت \min بر انتخاب کوچک‌ترین مقدار شرط علی (x_i) و معلول (y_i) دلالت دارد.

Coverage $(x_i \leq y_i) = \sum[\min(x_i, y_i)] / \sum(y_i)$

هنگامی که نمره شمول کوچک است، اثر محدود شرط علی بر پیامد قابل اغماض است. بنابراین شمول بسیار کم به مفهوم فقدان ارتباط تجربی و بی‌معنی بودن شرط لازم است (Ragin, 2008: 61). به عقیده راگین اگر نمرات سازگاری بیشتر از ۰٫۷۵ باشد و نمرات سازگاری بزرگ‌تر از نمرات شمول باشد، دلالت بر مفید بودن رابطه دارد؛ اما در حالت ایده‌آل باید نمرات سازگاری بالاتر از ۰٫۹ باشند تا محقق با اطمینان از معناداری علت لازم سخن گوید (Woodside, 2010: 384).

راگین معتقد است محققین به کمک این روش نه تنها می‌توانند فرضیه‌های خود را که از تئوری‌های موجود أخذ کرده‌اند مورد آزمون قرار دهند، بلکه با لیست کردن شروط مختلف، می‌توانند ترکیباتی را که به لحاظ منطقی ممکن هستند اما در تئوری‌ها انعکاس نیافته‌اند مورد آزمون تجربی قرار دهند (Ragin, 2008: 25). با توجه به توضیحات فوق، در این پژوهش تلاش می‌شود علت‌های سیاسی بی‌ثباتی و یا به عبارت دیگر ترکیبات علی مختلفی که شرط لازم برای بروز بی‌ثباتی سیاسی هستند در مطالعه بین‌کشوری شناسایی شوند.

۳. اندازه‌گیری بی‌ثباتی سیاسی (متغیر وابسته)

در این تحقیق بی‌ثباتی سیاسی به عنوان متغیر وابسته تعریف شده است که اثر سایر متغیرها بر آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مراد از بی‌ثباتی سیاسی بروز رفتارهای خشن با انگیزه‌های سیاسی و تغییر در نوع حکومت و مقامات حکومتی است. برای تعریف متغیر بی‌ثباتی سیاسی بر اساس نظریه ساندرز، دوازده شاخص بی‌ثباتی شامل کودتا، تغییر قانون اساسی، تغییر کابینه، تغییر مقامات اجرایی، ترور، جنگ چریکی، بحران حکومتی، شورش، حرکت‌های انقلابی، تظاهرات، اعتصاب عمومی و پاک‌سازی سیاسی در نظر گرفته شد. برای تولید متغیر فاصله‌ای بی‌ثباتی سیاسی نیز، میانگین داده‌های سری زمانی هر شاخص (Banks, 2011) در فاصله زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ مورد استفاده قرار گرفت.

لازم است متغیر فاصله‌ای بی‌ثباتی سیاسی، به متغیر فازی بی‌ثباتی سیاسی تبدیل شود. در متغیر فاصله‌ای بی‌ثباتی سیاسی نمرات به دست آمده در میان ۱۸۳ کشور جهان از ۳۸ تا ۰ متغیر است و میانگین نمرات هم ۳٫۸ است. برای آستانه عضویت کامل در مجموعه کشورهای بی‌ثبات عدد ۱۵ در نظر گرفته شد که بر این اساس به ترتیب کشورهای کلمبیا، افغانستان، عراق، سودان، فیلیپین، نیجریه، و سومالی در این مقوله قرار گرفتند. نقطه گذر عدد ۱ تعیین شد و بر اساس آن کشورهای اردن و گامبیا به عنوان کشورهایی مشخص شدند که در مرز ثبات و بی‌ثباتی قرار دارند. برای آستانه عدم عضویت کامل هم عدد ۰٫۱۵ در نظر

گرفته شد و مجموعه کشورهای باثبات مشخص شدند که به ترتیب شامل قبرس، ساموآ، قطر، عمان، کره شمالی، سوئیس، پورتوریکو، هنگ‌کنگ، فنلاند، اریتره، باربادوس و لوکزامبورگ می‌باشند. در این پژوهش متغیر بی‌ثباتی سیاسی با علامت اختصاری (ins) نشان داده می‌شود.

۴. علت‌های ثبات / بی‌ثباتی سیاسی (متغیرهای مستقل)

در این بخش تلاش می‌شود مهم‌ترین تبیین‌های علی که در علوم اجتماعی برای ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی معرفی شده است مورد بررسی قرار گرفته و از نتایج آن برای شناسایی و تعریف متغیرهای عملیاتی استفاده شود. پیش‌فرض اساسی بسیاری از تئوری‌های مربوط به بی‌ثباتی سیاسی این است که برخی از شکل‌های نارضایتی که به واسطه فقدان تعادل‌های ساختاری و کارکردی در سیستم اجتماعی ایجاد می‌شوند، خود را به صورت خشونت و بی‌ثباتی سیاسی بروز می‌دهند. مهمترین تئوری‌های مربوط به منبع بی‌ثباتی سیاسی عبارتند از:

۴-۱. کاهش قدرت

هانا آرنت کاهش قدرت سیاسی دستگاه حکومتی یا طبقه حاکم را یکی از زمینه‌های مهم بروز کشمکش‌های سیاسی به شکل خشونت‌آمیز می‌داند. به اعتقاد وی، هرگونه کاستی در اقتدار به معنای دعوت به خشونت است (ازغندی، ۱۳۸۵: ۲۱۴). بر این اساس نارضایتی مداوم احتمالاً هنگامی شکل سیاسی به خود می‌گیرد که یک فضای باز یا فرصت سیاسی برای گروه‌های تحت ستم و ناراضی فراهم آید.

۴-۲. آنومی سیاسی

از نظر دورکیم، آنومی سیاسی وضعیتی است که در آن کنشگران نسبت به قواعد جامعه سیاسی التزام ندارند و پیروی از آن قواعد برایشان مطلوبیتی ندارد. در نتیجه ترجیح منافع فردی و گروهی به منافع جامعه سیاسی به آنومی منجر می‌شود (رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۲: ۳۲۵-۳۲۸).

۴-۳. کاهش مشروعیت

به عقیده هوروویتز^۶ و میلر^۷، اصلی‌ترین منبع بی‌ثباتی، پایین بودن سطح مشروعیت رژیم است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۴۱). دانکوارت ای. روستو^۸ نیز ثبات سیاسی را برابر با مشروعیت شخصی حاکمان به همراه مشروعیت نهادها می‌داند. به عقیده روستو، در حوزه مشروعیت سیاسی باید ترکیب متوازنی از تمامی گونه‌های سه‌گانه اقتدار (سنتی، کاریزمایی و قانونی) وجود داشته

باشد و در هیچ مقطع تاریخی نمی‌توان شکل خالصی از هیچ نوع اقتدار پیدا کرد (خواجه‌سروی، ۱۳۸۵: ۹۷).

۴-۴. ضعف دموکراسی

الکسی دوتوکویل هشدار داد که اگر قرار باشد انسان‌ها به آن وضعیت اجتماعی که به آزادی منتهی می‌شود، دست پیدا کنند و متمدن باقی بمانند، باید همان اندازه که سطح برابری در یک جامعه افزایش می‌یابد، پیوند و همبستگی سیاسی میان یکایک افراد جامعه نیز تکامل پذیرد. طیف بسیاری از شاخص‌ها را می‌توان برای همبستگی سیاسی در نظر گرفت که از عقلانیت فرهنگ سیاسی، وفاق و مشارکت عمومی، نهادینگی سیاسی، تساهل و مدارای سیاسی همه‌جانبه تا تقویت ارزش‌ها و سنت‌های دموکراتیک را در بر می‌گیرد. این شاخص‌ها بیانگر وضعیت دموکراتیک در کشور بوده و هدف از آن، تحقق ساختارهایی برای عبور موفقیت‌آمیز از بحران‌های سیاسی و اجتماعی و تحقق ثبات سیاسی است (ازغندی، ۱۳۸۵: ۲۲۹).

۴-۵. فرهنگ سیاسی دگر ساز

دارندورف^۱ سیستم‌های دگر ساز را عامل اصلی منازعه می‌داند. سیستم دگر ساز این ویژگی را دارد که همواره در جهت حذف نیروهای درونی و خودی است. یعنی در این سیستم هیچ‌گاه یکپارچگی شکل نمی‌گیرد بلکه نشانه‌هایی از تعارض دائمی وجود داشته و این امر ناشی از عدم تحمل افراد بوده و فاقد ابعاد امنیتی واقعی است. یعنی اینکه مسائل غریزی جایگزین مسائل ناشی از محاسبه‌گری در منازعات می‌شود (متقی، ۱۳۸۳: ۱۳).

از مجموع تئوری‌های پنج‌گانه مذکور و سایر مطالعاتی که روابط همبستگی میان متغیرهای سیاسی و بی‌ثباتی برقرار کرده‌اند، ۱۸ متغیر سیاسی مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی شناسایی شد. این متغیرها شامل آزادی بیان و ابراز عقیده، حق تجمع و تظاهرات، آزادی مطبوعات، انتخابات آزاد و منصفانه، پلورالیسم سیاسی (Freedom House, 2011)، فرهنگ سیاسی دموکراتیک (Economist Intelligence Unit, 2011)، استقلال قوه قضائیه، زندانی سیاسی (Cingranelli & Richards, 2011)، شکاف در دستگاه‌های امنیتی، وفاق نخبگان سیاسی، مداخله عوامل خارجی (The Fund for Peace, 2011)، مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی (Vanhanen, 2011)، حاکمیت قانون، کنترل فساد (Kaufmann, Kraay, & Mastruzzi, 2012)، جهانی شدن سیاسی (Dreher, 2012)، جمعیت پناهنده و درصد نیروهای نظامی (World Bank, 2012) هستند. برای هر متغیر، مقدار متوسط آن در فاصله زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ مورد توجه قرار گرفته است. نام و کد متغیرهای مستقل در پیوست شماره ۲ ذکر شده

است. البته متغیرهایی مانند میزان مشروعیت و سطح دموکراسی که توسط دانشمندان مختلف تولید شده‌اند، ترکیبی از متغیرهای مذکور هستند و از این روی در پژوهش وارد نشدند. پس از تولید داده‌های فاصله‌ای برای ۱۸ متغیر مذکور، تلاش شد با استفاده از روش مستقیم، متغیرهای فاصله‌ای به متغیر فازی تبدیل شده و درجه عضویت هر کشور در هر متغیر مشخص شود. برای تعیین نقاط گسست کیفی تلاش شد از تجربیات و رهنمودهای تولیدکنندگان داده‌ها استفاده شده و کمتر بر دانش محتوایی و نظری پژوهشگر تکیه شود. تولیدکنندگان داده‌ها برای بسیاری از متغیرها، به نحوی نقاط برش کیفی را مشخص کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به مجموعه کشورهای با درآمد زیاد، متوسط و کم در داده‌های بانک جهانی اشاره کرد. آمار توصیفی و نقاط گسست کیفی ۱۸ متغیر مذکور در پیوست ۱ ذکر شده است.

حال که درجه عضویت هر کشور در هر یک از ۱۹ متغیر مختلف (۱۸ علت و ۱ معلول) مشخص شد، لازم است با کمک تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی علت‌های سیاسی بی‌ثباتی مشخص شود. برای این کار تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر بی‌ثباتی سیاسی سنجیده شده و فرضیات علت‌های لازم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ابتدا سازگاری و شمول ۱۸ متغیر مورد نظر نسبت به بی‌ثباتی سیاسی در نرم‌افزار FsQCA.2.5 مورد آزمون قرار گرفت و نتایج کامل آن در پیوست شماره ۲ ذکر شده است. چهار متغیری که بیشترین سازگاری و شمول را در میان ۱۸ متغیر مورد مطالعه دارند، در جدول شماره ۱ ذکر شده‌اند.

جدول شماره (۱): تحلیل علت‌های لازم بی‌ثباتی سیاسی			
Conditions	Consistency	Coverage	نام فارسی
qrl	0.999578	0.662469	حاکمیت قانون
qcc	0.998734	0.658041	کنترل فساد
Elt	0.906673	0.76981	وفاق نخبگان سیاسی
poc	0.8912	0.784411	فرهنگ سیاسی دموکراتیک

منظور از حاکمیت قانون اطمینان افراد به قوانین موجود در جامعه و وفاداری آن‌ها به رعایت قوانین است. این حالت به طور خاص در عملکرد پلیس و دادگاه‌ها و میزان جرم و خشونت بروز می‌یابد. کنترل فساد میزان استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی در سطح خرد و کلان را می‌سنجد. فقدان وفاق در نخبگان سیاسی چنددستگی در نخبگان سیاسی و بروز بن بست و حاشیه‌پروری برای دست‌یابی به منافع سیاسی نزد رهبران محلی و

ملی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر این متغیر عدم توافق نخبگان سیاسی در خصوص اصول اساسی حکومت، اهداف نظام سیاسی و چگونگی دستیابی به آن اهداف را بیان می‌کند (ترابی، ۱۳۸۹: ۸۲). فرهنگ سیاسی دموکراتیک نشان می‌دهد که احزاب و حامیان آنها قضاوت رأی‌دهندگان را به خوبی پذیرفته و اجازه انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را به سادگی مهیا می‌کنند. بدیهی است که برگزاری انتخابات و احترام به نتیجه آن نیاز به توسعه طیف وسیعی از نهادهای حمایتی و تغییر نگرش اتباع دارد که در چشم‌انداز بلندمدت امکان ظهور می‌یابد. این متغیر نوع فرهنگ سیاسی یک کشور را در سه دسته اصلی فرهنگ سیاسی دموکراتیک، نیمه دموکراتیک و استبدادی نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که چهار متغیر فقدان حاکمیت قانون، فساد حکومت، عدم وفای نخبگان و فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک علت‌های لازم برای وقوع بی‌ثباتی سیاسی هستند. ضمن اینکه متغیرهایی مانند فقدان حق تجمع و اعتراض و ادغام کمتر در دهکده جهانی از بُعد سیاسی کمترین تأثیر را بر بی‌ثباتی سیاسی دارند. از شاخص‌های سخت‌افزاری دموکراسی به عنوان روش حکومت، از رقابت و مشارکت سیاسی گرفته تا انتخابات آزاد و استقلال قوا، هیچ‌یک شرط لازم برای ثبات سیاسی نیستند. بلکه شاخص‌های نرم‌افزاری دموکراسی که ریشه در فرهنگ دارند، مهمترین شرط لازم برای ثبات سیاسی می‌باشند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، شروط برقراری ثبات سیاسی در یک جامعه عبارتند از:

الف. احترام حاکمان و مردم به قوانین موجود در جامعه

ب. وجود توافق میان نخبگان در خصوص اهداف جامعه سیاسی

ج. امکان انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی میان نخبگان

د. وجود مکانیزم‌هایی برای کاهش سوء استفاده نخبگان از قدرت حکومتی برای منافع شخصی

از میان شروط فوق، سه شرط مخصوص نخبگان جامعه بوده و یک شرط میان نخبگان و عامه مردم مشترک است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که نخبگان سیاسی جامعه، عامل ایجاد ثبات یا بی‌ثباتی هستند. نخبگان می‌توانند با اشاعه تعصب، عدم تساهل و بی‌احترامی به قانون، افکار عمومی را در جهت بی‌ثباتی دست‌کاری کنند و یا عاملی برای حل و فصل منازعه و فروکش‌سازی خشونت بوده و فرآیندهای سیاسی را به سمتی سوق دهند که به بی‌ثباتی منجر نشود.

یادداشت‌ها:

1. Ted Robert Gurr
2. Fuzzy-Set Qualitative Comparative Analysis (FsQCA)
3. David Sanders
4. Charles C. Ragin
5. Horowitz
6. Miller
7. Dankwart A. Rustow
8. Dahrendorf

پیوست شماره (۱): آمار توصیفی متغیرها

Variable	Mean	Std.Dev.	Minimum	Maximum	Calibrate
code	String				
country	String				
ins	3.87605	5.761628	0	38.185	(15,1,0.15)
afp	1.560565	1.762604	0.065745	9.2504	(2,0.5,0.1)
aor	7.633333	3.74489	0	12	(10,6,3)
qcc	-0.08083	0.991741	-1.7325	2.4555	(2,1,0)
elc	7.443519	4.263221	0	12	(11,8,5)
xtr	5.786828	2.14449	1.0524	10	(7,5,3)
elt	6.119967	2.458125	0.91111	9.7611	(8,5,3)
blf	11.18296	4.319802	0	16	(15,11,7)
jud	0.978113	0.734864	0	2	(1.5,1,0.5)
cmp	39.7312	20.03208	0	70	(60,50,40)
poc	5.688543	1.615131	1.25	10	(8,6,4)
glp	63.12392	21.45359	4.6178	97.296	(90,60,30)
imp	1.233178	0.724826	0	2	(1.9,1.5,0.9)
prt	34.96759	16.99306	0	70	(50,40,20)
plu	9.782778	5.126068	0	16	(15,10,5)
prs	47.97835	24.12336	9.1	97.3	(80,50,20)
asy	89.1949	274.5477	0.001	2081.5	(100,10,1)
qrl	-0.11888	0.983884	-2.357	1.9458	(1.5,1,0)
scu	5.64094	2.43168	0.95	9.9941	(8,5,2)

پیوست شماره (۲): تحلیل شرط لازم بی‌ثباتی سیاسی

Analysis of Necessary Conditions Outcome variable: ins			
Conditions	Consistency	Coverage	نام فارسی
afp	0.831926	0.709143	درصد نیروهای نظامی
aor	0.456081	0.810811	حق تجمع و تظاهرات
qcc	0.998734	0.658041	کنترل فساد
elc	0.624156	0.761856	انتخابات آزاد و منصفانه
xtr	0.796875	0.76801	دخالت عوامل خارجی
elt	0.906673	0.76981	وفاق نخبگان سیاسی
blf	0.625	0.798274	آزادی بیان و ابراز عقیده
jud	0.859798	0.742795	استقلال قوه قضائیه
cmp	0.744933	0.710145	رقابت سیاسی
poc	0.8912	0.784411	فرهنگ سیاسی دموکراتیک
glp	0.327703	0.782258	جهانی شدن سیاسی
imp	0.809967	0.747758	زندانی سیاسی
prt	0.686233	0.802469	مشارکت سیاسی
plu	0.661318	0.795732	پلورالیسم سیاسی
prs	0.519848	0.732302	آزادی مطبوعات
asy	0.5	0.734491	جمعیت پناهنده
qrl	0.999578	0.662469	حاکمیت قانون
scu	0.886402	0.819282	شکاف در دستگاه‌های امنیتی

Political conditions of instability (Cross national empirical analysis)

کتابنامه

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: نشر قومس.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، *بازخوانی مکتب تفسیری در حوزه علوم اجتماعی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- پراتکانیس، آنتونی و آرنسون، الیوت (۱۳۸۰)، *عصر تبلیغات: استفاده و سوءاستفاده روزمره از اقناع*، ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: انتشارات سروش.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۹)، *اجماع نظر نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- خواججه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۵)، «چارچوبی برای تحلیل رقابت سیاسی و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، سال دوم، شماره سوم.
- داوری اردکانی، رضا و شاکری، رضا (۱۳۸۸)، «امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره)»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، سال پنجم، شماره اول.
- رجب‌زاده، احمد و طالبان، محمدرضا (۱۳۸۶)، «تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس*، سال ۱۵.
- رجب‌زاده، احمد و کوثری، مسعود (۱۳۸۲)، «آنومی سیاسی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۱.
- ساندرز، دیوید (۱۳۸۰)، *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گار، تدرابرت (۱۳۷۶)، *چرا انسانها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۳)، *درآمدی بر منازعات سیاسی اجتماعی*، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- Banks, Arthur S (2011), **Databanks International**, Retrieved from **Cross-National Time** -Series Data Archive: <http://www.databanksinternational.com>.
- Cingranelli, David L, & Richards, David L. (2011), **CIRI Human Rights Data Project**, Retrieved from The CIRI Human Rights Dataset: <http://www.humanrightsdata.org/>.
- Dreher, Axel (2012), **KOF Index of Globalization**, Retrieved from Globalization Index: <http://www.globalization-index.org/>.
- Freedom House (2011), **Freedom in the World, Freedom of the Press**, Retrieved from Freedom House: www.freedomhouse.org.
- Kaufmann, Daniel, Aart Kraay, and Massimo Mastruzzi (2012), **Governance & Anti-Corruption**, Retrieved from Worldwide Governance Indicators: <http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/wgidataset.xls>.

- Ragin, Charles C (2008), **Redesigning Social Inquiry: Fuzzy Sets and Beyond**, Chicago, USA: The University of Chicago Press.
- Rihoux & Ragin, Charles C (2009), **Qualitative Comparative Analysis Using Fuzzy Sets (fsQCA)**, In B. Rihoux, & C.C. Ragin, **Configurational Comparative Methods: Qualitative Comparative Analysis and Related Techniques** (pp. 87-121), Los Angeles: SAGE Publications.
- The Fund for Peace (2011), **Conflict Assessment Indicators**, Washington D.C: The Fund for Peace Publication.
- Vanhanen, Tatu (2011), **Measures of Democracy 1810-2010**, Retrieved from Finnish Social Science Data Archive: <http://www.fsd.uta.fi/en/index.html>.
- Woodside, Arch G (2010), **Case Study Research: Theory, Methods, Practice**, Bingley, Emerald.
- World Bank (2012), **World Development Indicators**, Retrieved from The World Bank Data Catalog: <http://data.worldbank.org>.

